

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال اول، شماره‌ی 2، زمستان 1388، صص 63-94

## پژوهشی تاریخی درباره‌ی خاندانِ مهاجر دهدار در عهد صفوی

عباس زارعی مهرورز<sup>1</sup>

علی‌رضا علی‌صوفی<sup>2</sup>

### چکیده

در آغاز عهد صفوی، برخی از دانشمندان و ادیبان به دلایل مختلف از ایران به هندوستان، عثمانی و دیگر سرزمین‌های مجاور مهاجرت کردند. مهاجرت آن‌ها، حیات فرهنگی آن دوران را تحت تأثیر قرار داد. پژوهندگان در پی آنند که دریابند این مهاجرت چه علل و نتایجی داشت. در این مقاله، آثار دو تن از مهاجران، معین‌الدین محمد و عمادالدین محمود، معروف به دهدار بررسی شده است. مطالعه‌ی موردی این دو شخصیت می‌تواند بر حیات فرهنگی، مذهبی و اقتصادی ایران در آن دوران،

پرتوی بیفکند

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، صفویان، خاندان دهدار، هندوستان، عثمانی.

<sup>1</sup> - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا.

## مقدمه

دولت صفوی (907-1135 ه. ق / 1501-1723 م)، با حمایت شیعیان ایران و آنا تولی و با تکیه بر تفکراتی که پیشتر به گونه‌ای در جنبش باباییان<sup>1</sup> تجلی یافته بود، به قدرت رسید. آنان توانستند پس از چند سده حکومت بیگانگان، نخستین دولت سراسری را در ایران، با گسترش ایدئولوژی شیعی، تأسیس کنند. اما، از سوی دیگر، صفویان با این اقدام، با عثمانیان و اهداف و آرزوهای توسعه‌طلبانه‌ی آنان درافتادند. از دیدگاه دولت عثمانی، تأسیس سلسله‌ی صفوی وحدت سرزمین‌های اسلامی و مقاصد آنان را به خطر انداخته بود. همچنین، دشمنی سیاسی و ایدئولوژیک صفویان و عثمانی‌ها برای اروپاییان فرصتی مغتنم بود تا شاید اندکی از زیر بار تهاجمات سنگین عثمانی بگریزند.

گرچه صفویان دانشمندان دینی را به نگارش کتاب‌ها و رسایل به زبان فارسی تشویق کردند، اما به نظر بسیاری از نویسندگان، به طور کلی، برآمدن آنان تضعیف علوم و ادبیات فارسی را در پی داشت؛ زیرا آنان چندان توجهی به شاعران و نویسندگان دنیایی نداشتند و توجه عمده‌ی خود را به مسایل مذهبی معطوف کردند.<sup>2</sup>

<sup>1</sup> - ر.ک: رائل متیکا (1368)، "جنبش باباییان در آنا تولی"، ترجمه‌ی عباس زارعی‌مهرورز، کیهان فرهنگی، س 6، ش 6، صص 11-

آنان حتی بر صوفیان، که در آغاز با آنان روابط صمیمانه‌ای داشتند و در سده‌های پیشین از برجسته‌ترین گروه‌های مروّج ادبیات فارسی به شمار می‌رفتند و آثار گران‌بهایی را از خود به یادگار گذاشته بودند، تاختند. اوضاع به گونه‌ای شد که، بنا به نظر برخی پژوهشگران، حتی نگهداری کتاب مثنوی مولوی در خانه خطری دایمی برای صاحب‌خانه به شمار می‌رفت.<sup>1</sup> در عهد شاه تهماسب پیروان سلسله‌ی مولویه را از ایران بیرون راندند و در عهد شاه سلطان‌حسین (1106 - 1135 ه.ق/ 1694-1723 م) آزار و اذیت صوفیان سخت‌تر شد. فقط در دوره‌ی شاه‌عباس اول (996 - 1038 ه.ق/ 1586-1629) و پس از رونق اقتصادی کشور، از سیاست قلع و قمع صوفیه کاسته شد و افرادی مانند شیخ بهایی (م 1031 ه.ق/ 1622 م)، که گرایش‌ات صوفیانه هم داشت، و گروهی از دانشمندان و شاعران، با حمایت دربار توانستند به فعالیت پردازند؛<sup>2</sup> اما پس از مرگ شاه‌عباس اول، این سیاست حمایتی، پایان یافت و شاگردان شیخ بهایی ایران را ترک کردند. آنان از دربار صفوی به دربارهای ثروتمند همجوار، نظیر هند، روی آوردند.<sup>3</sup> از این رو، این پژوهش در پی آن است که رابطه‌ی سیاست و ایدئولوژی دولت صفوی را با گسترش مهاجرت دانشمندان و ادیبان، روشن نماید.

سؤال اساسی در پژوهش حاضر این است که اصولاً چه نسبتی بین ساختار سیاسی و مذهبی دولت صفوی و پدیده‌ی مهاجرت افراد و خاندان‌های سیاسی، علمی و مذهبی وجود داشت؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند، به زعم نگارندگان این مقاله، مسأله و دلایل مهاجرت

<sup>1</sup> - در این باره رک: بان ریپکا و دیگران، (1370)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، تهران، گونمبرگ و جاویدان‌خرد، صص

افراد را در جنبه‌های گوناگون سیاسی، مذهبی و فرهنگی تبیین نماید. همچنین، بررسی آثار مهاجران - در این پژوهش اختصاصاً خاندان دهدار - تا حدود زیادی می‌تواند سه موضوع را در خصوص دوران صفوی روشن سازد و ناگفته‌هایی را درباره‌ی حیات فکری و سیاسی این دوران بازگو نماید:

1. دگراندیشان مذهبی و فکری در چه شرایطی به سر می‌بردند و آیا می‌توان اندیشه‌های سیاسی، فکری و بعضاً مذهبی آنان در تقابل با ایدئولوژی صفوی را از متون آنان، به ویژه نسخه‌های خطی، بازخوانی و بازکاوی کرد؟
  2. کدام گروه‌های فکری و مذهبی در دولت صفوی حق حیات داشتند و مرز عبور از دایره‌ی این دولت چه بود؟
  3. در نهایت، ارتباط این مسأله با پدیده‌ی مهاجرت به هندوستان چیست؟ همچنین، آیا می‌توان در هندوستان، در قالب فعالیت‌های علمی و فرهنگی، ردپایی از مبارزات سیاسی یافت؟ البته باید اذعان کرد که پاسخ به همه‌ی این سؤالات در این پژوهش نمی‌گنجد. زیرا برای این کار تمام این آثار باید با روش هرمنوتیکی و نقد تاریخی بازخوانی شود. از سوی دیگر، بسیاری از این نسخه‌های خطی هنوز دست نخورده باقی مانده، که تعدادی از آنها فراروی بررسی این پژوهش قرار گرفته است.
- خاندان دهدار نتوانستند در ایران به فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه دهند؛ از این رو، به هند مهاجرت کردند و در آنجا به فعالیت‌های خود ادامه دادند. پژوهندگان در این پژوهش می‌کوشند تأثیر مهاجرت را در نوشته‌های آنان دریابند.

## پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی خاندان دهدار تاکنون پژوهش مستقلی نگاشته نشده است و آنچه درباره‌ی آنان موجود است، اطلاعاتی پراکنده و بسیار مغشوش در تذکره‌ها و فهرست‌های نسبه‌ها و خط‌های



است.<sup>1</sup> البته این اطلاعاتِ مختصر هم بی‌اشکال نیستند، به گونه‌ای که برخی مقاطع تاریخیِ زندگانی آنان همچنان نامکشوف مانده است. نام آنان در کتاب‌های تاریخی معتبرِ عهدِ صفوی، همچون خلاصه‌التواریخ، عالم آرای شاه اسماعیل و جز آن‌ها ذکر نگردیده است. البته عدم ذکر نام آن‌ها دلیل بر بی‌اهمیت بودن نقش آنان نیست؛ بلکه شاید ناشی از اختلاف سیاسی و مذهبی آنان با صفویان باشد و به همین دلیل در منابع رسمی از آنان ذکری نکرده‌اند. در عوض، از روی کتاب‌ها و رسالات ایشان، که بسیاری از آن‌ها به صورت خطی و چاپ‌ناشده در کتابخانه‌ها موجود هستند، می‌توان به اطلاعات ناب و عمدتاً مختصری دست یافت. اما به طور کلی، پژوهش‌های فهرست‌نویسان نسخه‌های خطی، مانند الذریعه الی تصانیف الشیعه، نگاشته‌ی آقابزرگ تهرانی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، هر دو از احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران، نگاشته‌ی محمدتقی دانش‌پژوه و جز آن‌ها، علی‌رغم برخی اشتباهات، تا حدودی در بازشناسی نقش و موقعیت این خاندان کمک می‌کنند.

#### شیوی پژوهش

این پژوهش، در واقع، ترکیبی از تاریخ و نسخه‌شناسی است. نگارندگان در این پژوهش، با بهره‌گیری از دیدگاه تاریخی، روش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، و مرور آثار

خطی دهدارها، فهرسِ نسخه‌های خطی و پژوهش‌های جدید، به یافته‌های نوینی در این زمینه دست یافته‌اند. البته از آنجا که این پژوهش نخستین گام در بررسی تاریخی این خاندان است، ممکن است کاستی‌هایی نیز در آن راه یافته باشد؛ که در این زمینه، نقد علمی اهل قلم می‌تواند بسیار راهگشا و مفید باشد.

### بیان هدف

با بررسی و تطبیق آثار خطی دهدارها، علاوه بر درک حوزه‌های علمی مورد علاقه‌ی دهدارها، می‌توان تا حدود زیادی اشتباهات درباره‌ی زندگانی و دوره‌ی آنان را نیز اصلاح نمود؛ امری که در این پژوهش، تا حد امکان، مورد توجه قرار گرفته است. ضمناً، با این امر تا حدودی فضای مذهبی و سیاسی عهد صفوی آشکارتر می‌گردد.

### دلایل مهاجرت دانشمندان

مهاجرت دانشمندان در عهد صفوی در دو دوره‌ی مختلف روی داد: دوره‌ی نخست، در حکومت شاه اسماعیل اول (907-930 ه.ق / 1501-1524 م) و شاه تهماسب (930-984 ه.ق / 1524-1576 م)، و دوره‌ی دوم، پس از مرگ شاه عباس اول (1038 ه.ق / 1629 م) و به قدرت رسیدن شاه صفی (جمادی‌الآخر 1038 - صفر 1052 / فوریه 1629 - مه 1642). البته دلایل مهاجرت دانشمندان در این دو دوره متفاوت است. در دوره‌ی نخست، آنان به دلایل مذهبی و سیاسی ایران را ترک کردند. با وجود زمینه‌ی گسترش روزافزون تشیع در ایران از سده‌های پیش،<sup>1</sup> شاه اسماعیل در این راه گاه خشونت و

سنگدلی، به ویژه علیه دانشمندان دینی، از خود نشان داد.<sup>1</sup> در شیراز، به سال 909ه.ق/4-1503م، پس از تعاقب سلطان مراد آق‌قویونلو، فرمان قتل برخی از دانشمندان دینی را صادر نمود، از میان این دانشمندان مغضوب، تنها شمس‌الدین محمد خفری، که پس از جلای وطن روحانیان سنی، در کاشان محل رجوع شیعیان بود، از مرگ رست.<sup>2</sup> البته برخی از دانشمندان به سرزمین‌های مجاور گریختند. ادریس بدلیسی،<sup>3</sup> نگارنده‌ی شرفنامه و مصلح‌الدین شافعی لاری، شاگرد ملاجلال‌الدین دوانی، به عثمانی مهاجرت کردند. عبدالعلی بیرجندی و فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، مشهور به ملای اصفهانی، دشمن سرسخت صفویان و نگارنده‌ی مهمان‌نامه‌ی بخارا، سلوک الملوک و عالم آرای امینی<sup>4</sup> و امیرعبدالوهاب، شیخ‌الاسلام تبریز در ماوراءالنهر مأمن یافتند.<sup>5</sup> همچنین، در عهد شاه تهماسب اول (930-986ه.ق/1524-1578م) نقطویان<sup>6</sup> تحت پیگرد قرار گرفتند.

<sup>1</sup> - ایران عصر صفوی، صص 25-26؛ ذبیح‌الله صفا، (1356)، خلاصه‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی، تهران، امیرکبیر، ص 263.

<sup>2</sup> - قاضی نورالله شوشتری (1377)، مجالس المؤمنین، ج 2، تهران، اسلامیه، ص 234.

<sup>3</sup> - والتر هینتس (1346)، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه‌ی کیکاوس جهانداری، تهران، کمسیون معارف، صص 151-152.

<sup>4</sup> - درباره‌ی دیدگاه او ر.ک: علی‌رضا علی‌صوفی، "اندیشه‌های حکومتی فضل‌الله بن روزبهان خنجی، در ترازوی سلوک الملوک"، مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه...، صص 635-650؛ فضل‌الله بن روزبهان (1362)، سلوک الملوک، تصحیح و مقدمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.

<sup>5</sup> - تشکیل دولت ملی در ایران، صص 148-150.

<sup>6</sup> - نقطویان، از شاخه‌های حروفیان، که حروف الفبا را دارای ویژگی‌های معجزه‌آسا و شگفت‌آوری می‌دانستند، یکی از فرقه‌های مخفی و صوفی مسلک مسلمان بودند که در سده‌ی دهم/ هفدهم در هندوستان اعتباری تحصیل کردند. شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارک ناگوری، که در هندوستان به منصب وزارت جلال‌الدین محمد اکبر - پادشاه مغول هند (963-1014ه.ق/1556-1605م) - رسید، از پیشران این فرقه بود.



مهاجرت در دوره‌ی دوم، بلافاصله پس از مرگ شاه عباس اول رخ داد. عدم کفایت سیاسی و قساوت و سنگدلی بی‌رحمانه‌ی شاه صفی، باده‌گساری شاه عباس دوم (1052- 1077 ه.ق / 1642- 1667 م) و شاه سلیمان (1077- 1105 ه.ق / 1667- 1694 م) و تصمیمات نابخردانه‌ی ایشان، فضای سیاسی - دینی جامعه را تنگ و تاریک ساخت.

در فضای سیاسی و فرهنگی عهد صفوی، فضلا و دانشمندان و شاعران و به طور کلی اصحاب فکر و فرهنگ که مایل بودند فارغ از کشمکش‌های سیاسی و مذهبی و مستقل از حکومت و نظام ایدئولوژیک آن به فعالیت بپردازند، عمدتاً با مشکل مواجه گردیدند. اما صفویان در امور ادبی اصرار داشتند که افکار نویسندگان و شاعران را در خدمت خود به کار گیرند. بنابر این، پیروان افکار و سبک‌های بیرون از این چارچوب، ر اهی برای بقای خود نیافتند و چاره‌ای جز مهاجرت به سایر سرزمین‌ها ندیدند. در زمره‌ی این گروه می‌توان از صائب تبریزی یاد کرد، که سبک خود را در هند ارائه داد؛ از این رو، بعدها به سبک هندی مشهور گردید. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی حاکم، مشوق سبکی از ادبیات و فرهنگ بود که در خدمت آرمان‌های آن باشد؛ بنابر این، یا به سبک‌های دیگر به مخالفت برمی‌خاست یا به آنها توجهی نمی‌کرد. این سیاست صفویان باعث افت محسوسی در ادبیات فارسی در ایران و حتی هند گردید و سطح توقع را از آن کاهش داد. همچنین، این سیاست فرهنگی موجب سبک خاصی در ادبیات عهد صفوی گردید که می‌توان آن را شعر مذهبی شیعی در قالب سوگ‌نامه نامید. به عنوان نمونه، ملاحسین واعظ کاشفی روضه

---

الشهدا (باغ شهیدان) را سرود. شاید بتوان گفت که این سبک ادبی از سده‌ی شانزدهم روضه‌خوانی را پدید آورد.<sup>1</sup> همچنین، کشکول‌نویسی را روح داد که شیوع آن در عهد صفوی و پس از آن یکی از نشانه‌های انحطاط فرهنگی و ادبی به شمار می‌رود. گرچه خود صفویان ایجاد کننده‌ی آن نبودند؛ زیرا از نمونه‌ی ادبیات فارسی رایج در هند به شمار می‌رود. نویسنده‌ی کشکول، اگر بتوان او را نویسنده نامید، نیازی به تنظیم و ترتیب و ارائه‌ی دیدگاه نداشت. او می‌توانست هرگونه مطلبی را در هر جای کتاب بنگارد و بدین روش اثری به نام خود ثبت کرده و با دریافت پاداش از شاه گذران عمر نماید.<sup>2</sup> حسن این کار برای نویسنده آن بود که در عاقبت می‌زیست. زیرا هر آنچه در آن مجموعه گرد می‌آورد، از دیگران بود و به عقاید خود اشاره‌ای نمی‌کرد. از سوی دیگر، صفویان نیز مشوق چنین ادبیاتی بودند؛ زیرا با بسیاری از جنبه‌های ادبیات سنتی ایران، مانند عرفان، اشعار عاشقانه و اخلاق دنیوی، دشمنی می‌ورزیدند.

علاوه بر فشارهای سیاسی، که از عهد مغول بدین سو ادامه داشت، عوامل فرهنگی و اقتصادی نیز به مهاجرت‌ها دامن می‌زد. چه برخی از خاندان‌های دانشمند به طمع مال و منال طریق سفر می‌پیمودند. در این هنگام آوازه‌ی سخاوت دربار دهلی و دولت‌های دکن تأثیرهایی کاملاً متفاوت داشت. در آنجا نوید سوده‌های سرشارتری می‌رفت و گاه مهاجران از آزادی بیشتری برخوردار بودند، اما آنان در آنجا چندان خوشدل نبودند؛ زیرا خواه

<sup>1</sup> - پیتر آوری، (1388)، تاریخ ایران در دوری پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی (مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج)، ج 7، دفتر 2، ترجمه‌ی مرتضی نایب‌فر، تهران، نیل، ص 352.

<sup>2</sup> - رک: عباس زارعی مهرورز، (1374)، "معرفی نسخه‌ی خرقة علما، کتابی از عهد صفوی"، وقف میراث جاویدان، ش 10، ص 112.

ناخواه خود را ملزم به تطبیق با محیطی بیگانه می‌دیدند و در نتیجه، به مرور با فرهنگ ایرانی فاصله گرفتند.<sup>1</sup>

از نظر انتخاب کوچ‌گاه، دو گزینه پیش پای مهاجران قرار داشت؛ یکی امپراتوری عثمانی در غرب، و دیگر، دولت‌های شبه قاره‌ی هند در شرق ایران.<sup>2</sup> یکی از دلایل این امر ستیزه‌جویی مذهبی صفویان و عثمانیان بود که چند بار در طول حیات دو دولت به صورت کشمکش‌های مرزی بروز کرد. از این رو، دانشمندان ترجیح می‌دادند به سرزمین هندوستان عزیمت کنند. علاوه بر کشاکش مذهبی بین صفویان و عثمانیان، بسیاری از ایرانیان با خوش‌بینی امیدوار بودند پس از مدتی، با تغییر و مساعد شدن اوضاع، به وطن مألوف باز گردند؛ بنابراین، دولت عثمانی برای مهاجران، به ویژه در دوره‌ی دوم، جاذبه‌ای نداشت و بیشتر آنان دولت‌های شبه قاره‌ی هند را برگزیدند، که از لحاظ عقیدتی با صفویان سر عناد نداشتند؛ سهل است عقاید شیعی در برخی از آن دولت‌ها، همچون دولت قطب‌شاهی غلبه داشت. همچنین، ایرانیان به خوبی اطلاع داشتند که در دولت‌های هند آزادی عقاید، تسامح مذهبی، امنیت و نوعی ملوک‌الطوایفی برقرار است و دربارهای آنجا، در رقابت با یکدیگر، از دانشمندان مهاجر به گرمی استقبال می‌کردند. در اوایل عهد صفوی، در عهد شاه تهماسب یکم، ایران عملاً گرفتار انزوا شده و ارتباط فرهنگی خود را با سرزمین‌های عربی و اسلامی در غرب و ازبکان در شرق، از دست داد.<sup>3</sup> در همین دوران،

<sup>1</sup> - تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی شهابی، ص 467.

<sup>2</sup> - G.L. Tikku., *Persian Poetry in Kashmir*, p.90. به نقل از فرهنگ ارشاد (1365). مهاجرت ایرانیان به هند (قرن

نقطویان به دلیل عقاید سیاسی و مذهبی به هند گریخته و در آنجا پناه یافتند. مهاجران شرایط و زمینه‌های مهاجرت افراد خانواده یا دوستان و آشنایان خود را نیز فراهم می‌کردند، که بیشتر متعلق به لایه‌های متوسط و بالای جامعه ایران بودند.<sup>1</sup> این سیل مهاجرت تدریجی در تمام عهد صفوی جریان داشت. به نظر می‌رسد آخرین نسل دانشمندان مهاجر عهد صفوی، شاگردان شیخ بهایی، همچون محمد بن علی بن خاتون عاملی، نگارنده‌ی ترجمه‌ی قطبشاهی، جامع التمثیل و...، روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی، نگارنده‌ی خرقة‌ی علما بودند، که ترجمه‌ی آثار و افکار استادشان را با خود نزد خاندان قطبشاهی (918- 1098 ه.ق / 1512- 1687م) در گلکنده‌ی دکن به ارمغان بردند.<sup>2</sup> در این سیل مهاجرت، خاندان دهدار از نخستین مهاجران به شمار می‌روند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

خاندان دهدار

خاندان دهدار از دسته‌ی دوم مهاجران به شمار می‌روند آنان در صدد بودند که مستقل از چارچوب فکری حکومت صفوی به فعالیت بپردازند و ضمناً، برخلاف افرادی مانند خنجی اصفهانی، قصد نداشتند از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک با صفویان درگیر شوند؛ از این رو، راه هند را در پیش گرفتند. در منابع اطلاعات چندانی درباره‌ی آنان وجود ندارد. متأسفانه آنان در آثار خود نیز مطلبی درباره‌ی زندگانی خود ننوشته‌اند. به طور کلی، این امر یکی از مشکلات بررسی زندگانی دانشمندان و نویسندگان در جهان شرق به شمار می‌رود. همچنین، در تذکره‌ها و فهرست‌ها و تقریباً تمام آثار خطی، نام، لقب و کنیه‌ی این خاندان به صورت نادرست ثبت شده است.<sup>1</sup> به عنوان مثال، لقب معین‌الدین گاه برای محمود، و کنیه‌ی ابومحمد گاه برای محمد ذکر شده، که هر دو اشتباه فاحش است. این اشتباه طبعاً به انتساب کتب آن‌ها به همدیگر و جز آن‌ها منجر شده است، که پس از این خواهد آمد. به نظر نگارندگان، علت عمده‌ی این اشتباهات، تشابه نام‌های محمد و محمود، کنیه‌ی ابومحمد، و نسبت فامیلی دهدارهاست، که از آنان تنها چهار تن شناخته شده‌اند: احمد عیانی جهرمی، شمس‌الدین محمد خفری، عمادالدین محمود عیانی و معین‌الدین محمد. به نظر نگارندگان و

<sup>1</sup> - برای نمونه‌ای از اشتباهات مذکور در فهرست‌ها و پژوهش‌ها، رک: شیخ آقازرگ تهرانی (1345)، *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*، تهران، [اسلامیه]، ج 9، ص 777؛ ج 18، ص 157؛ او در طبقات اعلام‌الشیعه برخی از اشتباهات خود را در این باره تصحیح کرده است؛ سعید نفیسی (1344)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ج 2، تهران، فروغی، ص 807. نفیسی سال وفات محمد را با سال وفات محمود، که معلوم نیست، اشتباه کرده و در انتساب کتاب‌های آن‌ها هم دچار اشتباه شده است. چنین اشتباهاتی در فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی هم دیده می‌شود (عبدالحسین حائری و دیگران (1347)، *فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی*، ج 10، بخش اول، تهران، کتابخانه‌ی مجلس، صص 58-59). احمد مزوی، با الهام از نفیسی، می‌گوید که عیانی و فانی پدر و پسر هستند (احمد مزوی (1361)، *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ج 1، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص 7)؛ اما نفیسی

بنا بر دلایل تاریخی، ترتیب نسلی آنان بدین ترتیب است: معین‌الدین محمد فرزند ابومحمد عمادالدین محمود بن شمس‌الدین محمد بن احمد دهدار. دهدارها خاندانی از مردم هویزه‌ی خوزستان بودند، که به خفر<sup>1</sup> و از آنجا به شیراز رفتند؛<sup>2</sup> به همین دلیل، انتساب "خفری شیرازی"، در پایان نام آن‌ها دیده می‌شود. تخلص شعری معین‌الدین محمد، "فانی" و ابومحمد محمود، "عیانی" بوده است.

در منابع درباره‌ی احمد، جد اعلای این خاندان، مطلبی نیامده است؛ اما از فرزندش شمس‌الدین محمد خفری، یا فاضل خفری، همین قدر آشکار است که از حکیمان بزرگ عهد شاه اسماعیل صفوی و از شاگردان صدرالحکما امیر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی، و به قولی سعدالدین تفتازانی، و نگارنده‌ی کتاب‌های مختلف در فلسفه، تفسیر، علوم غریبه و غیره - از قبیل اثبات الواجب، اثبات الهیولی، تفسیر آیه‌ی الکرسی، تکمله در شرح تذکره‌ی نصیری‌ی خواجه نصیرالدین طوسی، رساله‌ی الرمل - بوده و در سال 957ه.ق / 1550م، در عهد شاه تهماسب صفوی درگذشته است.<sup>3</sup>

ابومحمد عمادالدین محمود دهدار (م 1016ه.ق / 1607م)

از زندگانی ابومحمد عمادالدین محمود چندان چیزی دانسته نیست. او دست کم یک بار به هند رفت و پس از مدت نامعلومی به ایران بازگشت. زیرا در آغاز کتاب جامع الفوائد به

<sup>1</sup> - بخش خفر در شهرستان جهرم و استان فارس واقع است و موقعیت آن کوهستانی - جلگه‌ای است (تغتمه‌ی دهخدا، ذیل «خفری»)

<sup>2</sup> - فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج 1، ص 6.

این موضوع اشاره کرده است.<sup>1</sup> او در جفر و حروف و علوم غریبه، همچون رمل و کیمیا و طلسمات،<sup>2</sup> دستی توانا داشت و تألیفاتی چند در این علوم از خود به یادگار گذاشت. او در سده‌ی دهم هجری/ هفدهم میلادی می‌زیست و گویا بیشتر عمرش را در عهد شاه تهماسب صفوی گذراند. گویند او استاد بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی) در علوم غریبه بوده است.<sup>3</sup> البته نباید او را با عمادالدین محمود فرزند سراج‌الدین مسعود طبیب شیرازی، نگارنده‌ی کتاب‌های طبی، یکی دانست؛ به ویژه آن که این دو با هم معاصر بوده‌اند. مقبره‌ی عمادالدین محمود دهمدار در حافظیه‌ی شیراز است. بنابر این، معلوم است که او پس از مهاجرت به هند، دوباره به وطن مألوف بازگشته است. او با شیخ ابوالقاسم امری شیرازی دوستی داشت و مدتی نزد او تلمذ نمود و احتمالاً علوم غریبه را از او فراگرفت و در تصوف نیز «قریب به آن شده بود که بالکلیه از موهومات بگذرد».<sup>4</sup> این ابوالقاسم به نقطویه منسوب بود و لذا حکم مرگ او را صادر کردند؛ اما شاه تهماسب فرمان داد تا او را با یک درجه تخفیف! در 932 ه.ق/ 1525 م، کور کردند. امری بدان حال می‌زیست تا آن که در شورش عوام شیراز، به سال 999 ه.ق/ 1591 م، کشته شد. امری شیرازی اقسام شعر را نیکو می‌سرود و تألیفاتی از او بازمانده است؛ از آن جمله رساله‌ی ذکر و فکر و جواب

<sup>1</sup> - رک: الذریعه، ج 5، ص 68.

<sup>2</sup> - بخشی از علوم غریبه، همچون جفر و رمل و طلسمات، در فرهنگ اسلامی مشحون از تفسیر باطنی حروف است. در جفر، به معنای چاه فراخ، از حرف که مستقل به دلالت است، گفتگو می‌شود و پیروانش مدعی هستند که به وسیله‌ی آن می‌توان به همه‌ی حوادث آینده آگاهی یافت. رمل، به معنی شن و ریگ نرم، ابزار پیشگویی آینده و طالع افراد است. رمال مدعی است که از طریق خطوط منقوش بر رمل به مجهولات بی‌می‌برد. درباره‌ی طلسمات، به معنی گره لاینحل، گویند که آن می‌تواند فعل غریب و خلاف انتظاری در جهان پدید آورد (

مرآة الصفا قابل ذکر است.<sup>1</sup> اتفاقاتی از این دست را می توان در پیوند با ایدولوژی گرایِ دولت صفویه و ستیز و عناد با قرائت‌های دیگری از شیعه و دیگر مذاهب اسلامی قلمداد نمود. همچنین، مشاهده و تداوم چنین شرایطی دانشمندانی همچون خاندان دهدار را به مهاجرت به سوی سرزمین هندوستان ناگزیر کرد.

احتمالاً محمود نیز، به حکم این دوستی با ابوالقاسم شیرازی و ماهیت و مضامین نوشته‌های خودش، از آزار مصون نبوده است. نفیسی او را پیرو طریقه‌ی حروفی دانسته است.<sup>2</sup> اما ایجاد و گسترش فعالیت حروفیان مربوط به دوره‌ی تیموری (771-906 ه.ق / 1369-1500م) است و در عهد شاه تهماسب صفوی نقطویان، که شاخه‌ای از حروفیان بودند، فعالیت شدیدتری داشتند. بنابر این، دهدار احتمالاً بیشتر گرایش‌ات نقطوی داشته و این امر تا حدودی از علاقه‌ی او در نوشتن کتاب‌ها و رسالات در جفر و کیمیا و علم نقطه آشکار می‌شود. علمی که او بدان پرداخت، مورد تأیید حکومت صفوی نبود. معلوم نیست که او کدام آثار را در ایران و کدام آثار را در هند نگاشت. اما آشکار است که این علوم و فنون بسیار مورد علاقه‌ی نقطویان بود. عدم پذیرش این علوم از سوی حکومت صفوی احتمالاً از علل مهم مهاجرت او به هند به شمار می‌رود. در نوشته‌های عمادالدین مطلبی دال بر مخالفتش با حکومت صفوی دیده نمی‌شود؛ اما این امر را نباید به قبول سیاست‌های آنان تعبیر نمود. دولت‌های حاکم بر هند به هیچ وجه مایل نبودند در روابطشان با ایران مشکلی ایجاد گردد. مهاجران نیز به خوبی به این امر واقف بودند. ضمناً، شاید مهاجران



امید داشتند روزی با مساعد شدن اوضاع به ایران بازگردند. بنابر این، از نگارش مطالبی که به این هدف آسیبی وارد می‌ساخت، خودداری می‌کردند. بنابر این، او در هند فقط به نگارش کتبی در علوم مورد علاقه پرداخت و از فعالیت‌های سیاسی دوری گزید. به طور کلی، در آثار دیگر مهاجران به هند نیز مطالبی دال بر مخالفت سیاسی با صفویان دیده نمی‌شود.

تخلّص او در شعر «عیانی» بود و انتساب آن به پسرش معین‌الدین محمد خطاست. شاید او این تخلص را از جد خود احمد جهرمی گرفته باشد. او در اسرار الحروف و برخی از آثار دیگرش بارها تخلّص خود را آورده است:

یاء بسم الله چون شد جلوه‌گر ای عیانی برگشا گنج گهر<sup>1</sup>

یا در آخر همین منظومه:

یا الهی از سر صدق و صواب ساز دعوات عیانی  
مستجاب<sup>2</sup>

و در پایان جواهر الاسرار می‌گوید:

من عیانی که تخلّص دارم به تولّای علی در  
کارم

<sup>1</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. 2 / 7631)، اسرار الحروف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 17 پ. دوست

هست در نَعْتِ نَبی تحریرم  
هست در مدح ولی  
تقریرم<sup>1</sup>

یا در دیباچه‌ی منظوم کتاب مذکور:

ای عیانی اگرت هست عیان ساز این جوهر اسرار  
عیان<sup>2</sup>

او همه‌ی آثار خود را به زبان فارسی نگاشت. همچنان که پیشتر گفته شد، در منابع میان کتاب‌های او و معین‌الدین محمد خلط‌های بسیار شده است. از مهم‌ترین دلایل این امر، علاوه بر نسبت خانوادگی و تشابه اسمی آنان، اشتباهات تذکره‌نویسان و کاتبان نیز قابل ذکر است. به طور کلی، باید گفت که عمادالدین فقط در زمینه‌ی کیمیا و علوم غریبه - جفر و رمل و طلسمات - نوشت و معین‌الدین فقط در تصوف.

برای آن که تصویر نسبتاً روشنی از افکار این دو تن ارائه شود، جداگانه فهرستی مختصر از آثار آنان ارائه می‌شود. نخست، آنچه از کتاب‌ها و رساله‌های عمادالدین باز مانده، به قرار ذیل است:

1. استخراج نام معین‌الدین محمد - بنا به اعتقاد او، نام هر شخص با یکی از اسماء اعظم توافقی دارد، که به چند طریق آن را می‌توان استخراج کرد. او در این رساله

برای آموزش مبتدیان، نام فرزندش ابوالقاسم معین‌الدین محمد را به طریق رَشَف استخراج نمود.<sup>1</sup>

2. اسرار الحروف - منظومه‌ای است در پانصد بیت درباره‌ی اسرار نقطه، اسرار حروف و تطبیق شمارش آن‌ها با اسماء و برخی اوصاف حضرات معصومین (ع).<sup>2</sup>

3. جامع الفوائد - در علم حروف، در یک فاتحه و پنج فصل و یک خاتمه. در واقع، خلاصه‌ای است از مفاتیح المغالیق. چون در کتاب مذکور بارها به جامع الفوائد ارجاع داده است. او کتاب را برای فرزندش محمد ساخته و در آن به کنیه و نام خود و سفرش به هند تصریح کرده است. مطالب آن تا حدودی شبیه زبده الالواح است. منظومه‌ی سجنجل،<sup>3</sup> که برخی آن را رساله‌ای مستقل شمرده‌اند، جزیی از همین کتاب است.<sup>4</sup>

4. جواهر الاسرار (در برخی نسخه‌ها جوهر الاسرار) - به نظم و نثر، در جفر به نقل از ائمه‌ی اطهار (ع)، "در بعضی قواعد اعداد که سیدحسین اخلاطی در کتاب ذخائر الاسماء ذکر فرموده". در واقع، خلاصه‌ای است از همان کتاب، در یک فاتحه و

<sup>1</sup> - عمادالدین محمود دهمدار (ش. 1/ 5584)، استخراج نام معین‌الدین محمد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 1 پ- 6. رشف، به معنی مکیدن آب، در اصطلاح اهل جفر، استخراج اسماء از زمام یا به روایتی، اطلاع از مغیبات و در مقابل کشف است («رشف»، لغت‌نامه‌ی دهخدا).

<sup>2</sup> - عمادالدین محمود دهمدار (ش. 2/ 7631)، اسرار الحروف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.

پنج فصل و یک خاتمه، با سربندهای جوهر. هر قاعده‌ی جفری را نخست زیر عنوان «تحریر» به نثر و با سربند «تقریر» به نظم کشیده است.<sup>1</sup>

5. خلاصة الأذکار- در آن تعدادی ادعیه را با نام‌های «حروف کواکب، اسماء کواکب»

بیان کرده است؛ به عنوان مثال، در «حروف الكواکب» (د، ن، خ، غ)، دعای «یا دیان، یا ناعم، یا خالق، یا غنی» را آورده است.<sup>2</sup>

6. دیوان اشعار<sup>3</sup>

7. زبدة الالواح- در جفر و تکسیر و رمل و اختربینی و حروف مقطعه‌ی قرآن کریم و

فواید برخی از آیات، در یک مقدمه و پنج فصل و یک فاتحه. در مقدمه گوید که

در این علوم سال‌ها زحمت کشیده است. بنا به اعتقاد او، حروف و مقطعات قرآنی

نقش بزرگی در علم جفر دارد و چنانکه کسی به آن‌ها آشنایی داشته باشد، بر

فواید بسیاری واقف می‌شود.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> - عمادالدین محمود دهدار، جواهر الاسرار، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی 4388، منزوی، فهرست مشترک... پاکستان، ج 1، ص 337، آقا بزرگ تهرانی، ذریعه، ج 5، ص 262، ج 10، ص 5، 13، طبقات اعلام الشیعه، ج 2، ص 239؛ محدثقی دانش‌پژوه (1340)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 13، تهران، دانشگاه تهران، ص 3351؛ «خفزی»، لغت‌نامه دهخدا.

<sup>2</sup> - عبدالله انوار، (1354)، فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی ایران، ج 6، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ص 299، 300.

<sup>3</sup> - عمادالدین محمود دهدار، [بخشی از دیوان]، نسخه‌ی خطی موجود موسوم به جُنگ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی 8/3921، برگ 85-88؛ تهرانی، الذریعه، ج 9، ص 777.

<sup>4</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. 13/ 5584)، زبدة الالواح، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 16 پ- 17 ر؛

8. صحیفه النور- در این منظومه، که به وزن‌ها و قافیه‌های گوناگون و با تخلص عیانی سروده، اسماء و القاب ائمه و معصومین (ع) را به روش اعداد از آیات قرآنی استخراج کرده و در آغاز، سوره‌ی فاتحه را با اعداد ابجدی تطبیق کرده است.<sup>1</sup>

9. العلم النقطة کثره الجاهلون - درباره‌ی اسرار نقطه و حروف، با عنوان‌های «سر»، که در آن از محمود پسیخانی هم یاد کرده است.<sup>2</sup>

10. کنز الرموز- در خواص حروف و تطبیق آن با احکام نجومی؛ او، به گواه شعری که در پایان کتاب آورده، آن را در چهارده روز نگاشته است:

شرح این زبده یا خلاصه تمام شد مرتب به چارده ایام

نام کتاب را هم در این بیت تصریح کرده است

نبرده راه مطلقاً به رموز چشم بندش بود رموز کنوز<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - عمادالدین محمود دهمدار (ش. 1/ 7631)، صحیفه النور، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 1 پ- 8 پ؛ حسینی اشکوری، (بی تا - 1372)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج 20، قم، کتابخانه‌ی عمومی مرعشی، ص 35.

<sup>2</sup> - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 16، ص 418؛ این نسخه در هامش نسخه‌ی 7365 دانشگاه تهران آمده است.

11. مفاتیح المغالیک- در بیان قواعد علم تکسیر<sup>1</sup> و جفر جامع و خابیه‌ی شمسی و خابیه‌ی<sup>2</sup> قمری و اسرار اعداد، وفق و کیفیت نقطه و حروف و شرح بینات حروف و خواص هر یک از این‌ها؛ با بهره‌گیری از برخی آیات قرآن و گفته‌های بزرگان این فنون و جداولی برای مطالب و آموزش تطبیقی آن‌ها، که آن را در یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه در جمادی‌الاول 1976 / اکتبر و نوامبر 1568 نگاشت.<sup>3</sup>

12. مفتاح الاستخراج - در جفر<sup>4</sup> جز این‌ها، آثار الاطوار، غایة الامکان و مقصد الاقصی را نیز به او نسبت می‌دهند، که شاید نام‌گذاری دیگری بر آثار او باشد.<sup>5</sup>

ابوالقاسم معین‌الدین محمد دهدار (947- 1013 ه.ق / 1540-1605 م)<sup>6</sup>

خواجه معین‌الدین محمد فرزند ابومحمد محمود دهدار، متخلص به فانی، از مشاهیر دانشمندان صوفی‌مشرّبِ زمان خود بود. او در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان شاه فتح‌الله شیرازی به شمار می‌رفت. او همانند روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی، نگارنده‌ی کتاب خرّقه‌ی علما<sup>7</sup>، عقاید خود را مکتوم نگاه داشت؛ به بیان دیگر، عمادالدین

1 - تکسیر، به معنای در هم شکستن اجسام و ترکیب آن‌ها با یکدیگر است؛ نام دیگر جفر یا علم حروف (فرهنگ عمید؛ «جفر»، دایرة المعارف تشیع).

2 - به معنی نهان و پوشیده.

3 - عمادالدین محمود دهدار (1016)، مفاتیح المغالیک، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج 18، ص 193-194؛ دانش‌پژوه، همان، ج 16، ص 418.

4 - تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج 1، ص 397.

محمود تمایلات حروفی و نقطوی و مخالف صفویه داشت، حال آنکه معین‌الدین محمد تقریباً در آن باره سکوت و حتی مخالفت نمود. نمونه‌ای از مخالفت او را می‌توان در نفایس‌الارقام مشاهده نمود.<sup>1</sup> اما این ظاهر امر است. زیرا گرایش او به نقطویه میراثی خانوادگی بود و فقط به دلیل شرایط خاص مذهبی و سیاسیِ زمانه و شاید علاقه‌ی دولت‌های دکن هند در حفظ روابط مسالمت‌آمیز با دولت صفوی، عقاید خود را تعدیل کرد. او میان سال‌های 965 تا 987 ه.ق / 1558 تا 1579 م، به هندوستان رفت. اگر دلیل مهاجرت عمادالدین علاقه‌ی مفرط او به علوم غریبه و منع آنها توسط صفویان بود، دلیل مهاجرت معین‌الدین گرایشات و افکار صوفیانه بود، که آن هم دیگر در نزد صفویه از اعتبار اولیه افتاده بود. او در بیجاپور دکن، در دربار علی اول فرزند ابراهیم بن اسماعیل (965-987 ه.ق / 1558-1579 م)، چهارمین حاکم عادل‌شاهی آنجا،<sup>2</sup> کارش بالا گرفت و از آن پادشاه خواست تا استادش شاه فتح‌الله را به دربار خود بخواند و عادل‌شاه زر بسیار فرستاد و او را دعوت کرد. رباعیاتی از این فتح‌الله صوفی، که در حکمت و معرفت مقام ارجمندی داشت، بازمانده است.<sup>3</sup> معین‌الدین محمد نیز به تقلید از او رباعیاتی سرود، که از آن جمله است:

ایام بقا چو باد نوروز گذشت      روز و شب [ما] به محنت و سوز

گذشت

<sup>1</sup> - رسائل دھدار، رسالہ‌ی نفائس‌الارقام.

<sup>2</sup> - استانی لہن پول، (1362)، طبقات سلاطین اسلام، ترجمہ‌ی عباس اقبال آشتیانی، تہران، دنیای کتاب، ص 291؛ استانی لہن پول و دیگران

(1370)، تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، ج 2، ترجمہ‌ی صادق سجادی، تہران، نشر تاریخ ایران، صص 532، 537.

تا چشم نهادیم به هم، صبح دمید  
گذشت<sup>1</sup> تا چشم گشودیم ز هم، روز

جنبه‌های اعتراض و انتقاد از شرایط دوران را در اشعاری از این دست می‌توان سراغ گرفت. افکار بسیاری از این مهاجران آمیزه‌ای از تصوف داشت و سرزمین هند نیز جایگاه مناسبی برای نشر و نمو اندیشه‌های صوفیانه به شمار می‌رفت.

پس از فوت علی عادل‌شاه (987ه.ق/1579م)، شاه فتح‌الله به دربار جلال‌الدین محمد اکبر (963-1014ه.ق/1556-1605م)، از پادشاهان مغول هند، رفت و مجالس او گشت و همان جا درگذشت. احتمالاً در این زمان بود که شاه فتح‌الله، شاگردش ملک احمد بن ملک مقصود دخلی اصفهانی (م1025ه.ق/1616م)، خواهرزاده‌ی ابوالقاسم امری شیرازی مقتول و معاصر شریف سمردی، را به دربار جلال‌الدین محمد اکبر دعوت نمود و برایش در دربار منصب یافت.<sup>2</sup> از دوستان شاه فتح‌الله در دربار اکبر شاه، یکی فیضی دکنی بود.<sup>3</sup> محمد دهدار هم در آن سال (987ه.ق/1579م) به احمدنگر دکن رفت و در دربار ابوسعید مرتضی بن حسین بن برهان اول (972-996ه.ق/1565-1588م) چهارمین حاکم نظام‌شاهی آنجا، اعتبار بسیار یافت. او به هنگام ورود به دربار نظام‌شاه چهل ساله بود؛ چون وفات او را در شصت و نه سالگی، به سال 1016ه.ق/1607م نوشته‌اند. در آنجا به مدت هیجده سال به حلقه‌ی مریدان و شاگردان شیخ حسن نجفی پیوست، کتاب‌های خوانده را بار دیگر تکرار کرد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید.

<sup>1</sup> - حسن حسینی فسایی (لی‌تا)، فارسنامه‌ی ناصری، ج 2، تهران، کتابخانه‌ی سنایی، افست از روی چاپ سنگی، صص



در سلطنت بهادر بن ابراهیم بن برهان دوم (1004-1008 ه.ق / 1595-1599)، آخرین حاکم دولت نظام‌شاهی احمدنگر، به حکومت صوبه از نواحی برار دست یافت؛ شاید او تعارضی میان تصوف و پذیرش مقام سیاسی نمی‌دیده یا آن که صوفی اهل دنیایی بوده است. به هر حال، پس از خلع و حبس بهادر و جایگزینی سلاطین مغول هند در برار، معین‌الدین محمد تنها و منزوی به سورت رفت و چنانکه گفته شد، در 1016 ه.ق / 1607 م در همان جا درگذشت.<sup>1</sup> اما علت انزوای او سیاسی بود. جلال‌الدین اکبر، سلطان هندوستان، در سال 1595 / 1004 م توسط فرزندش مراد، احمدنگر را محاصره کرد؛ اما با انعقاد قراردادی مبنی بر بیرون رفتن نظام‌شاه از برار، از آنجا عقب نشست. پس از مدتی، جلال‌الدین اکبر دوباره حمله کرد و بهادر را اسیر و دولت نظام‌شاهی را منقرض نمود. پس از این وقایع، جلال‌الدین اکبر بر احمدنگر و برار تسلط یافت.<sup>2</sup> به احتمال زیاد، در همین سال 1008 ه.ق / 1599-1600 م، با مرگ ابراهیم و تصرف احمدنگر و برار توسط سلطان مغول هند، معین‌الدین دهدار طریقه‌ی انزوا گزید.

در فهرست‌های نسخه‌های خطی آثار او با نام‌های گوناگون ضبط شده و گاه یک اثر با چند نام گوناگون آمده است؛ همین امر تفکیک آثار او را دشوار کرده است. اما، به طور کلی، همه‌ی آثار او در زمینه‌های عرفانی، فلسفی و تفسیر قرآن است:

<sup>1</sup> - مقایسه شود با لین پول و دیگران، همان، ص 532؛ نفیسی، همان، ج 2، صص 655-656؛ فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی

1. اشراق النیرین- در تشویق به سیر در آفاق و انفس و تصحیح کیفیت ادراک انسانی و توحید؛ در چند اشراق و نیر؛ تقسیم‌بندی بخش‌های کتاب در نسخه‌ها گوناگون است.<sup>1</sup>

2. اصطلاحات صوفیان<sup>2</sup>

3. الف انسانیت- تفسیری عرفانی از سوره‌ی والضحی و الم نشرح، که به گفته‌ی خودش در حق پیامبر(ص) نگاشته و در آن مراتب انسانیت و مقامات او را به نثر آمیخته به نظم گزارش داده است. آقا بزرگ تهرانی آن را دهمین رساله‌ی عرفانی دهدار دانسته است.<sup>3</sup> نسخه‌هایی با نام تفسیر سوره‌ی والضحی و الم نشرح، در واقع، جزئی از همین رساله است.<sup>4</sup>

4. ایجاز مفاتیح الاعجاز- گزیده‌ای است از شرح شمس‌الدین محمد لاهیجی بر گلشن راز شیخ محمود شبستری.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 7/ 7370)، اشراق‌النیرین، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، برگ 45 - 55 ر؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 170؛ احمد متزوی (1349)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی منطقه‌ای، صص 1031-1032.

<sup>2</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1038.

<sup>3</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 9/ 7370)، اشراق‌النیرین، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 72 پ- 82 ر؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1047؛ فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج 1، ص 7؛ الذریعه، ج 2، ص 290؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، (همان، ج 1، ص 397) و جای دیگر از احمد (کذا) دانسته است (همان، ج 2، ص 655)؛ همچنین، رک بانویس ش 15.

<sup>4</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 10/ 2322)، فوائد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، برگ 93 پ- 103 ر؛ البته نام فوائد در فهرست آثار معین‌الدین محمد دیده نمی‌شود و نام صحیح آن همان الف انسانیت است (رک: فهرست نسخه‌های کتابخانه‌ی مرکزی

5. توحید استدلالی- در اثبات واجب و توحید، بیشتر از دیدگاه متکلمان و عارفان و صوفیان، که آن را در برابر به نظام‌شاه مرتضی بن حسین تقدیم کرد؛ در یک مقدمه و سه فصل و یک خاتمه.<sup>1</sup>

توحید برهانی- در عرفان و در دو مطلب شیء و وجود.<sup>2</sup>

6. جبر و قدر و اختیار- در پاسخ برادران دینی و با الهام از فلسفه، کلام و آیات قرآن، فرق میان آن‌ها را در چهار مقدمه آورده است.<sup>3</sup>

7. حقیقت ادراک (نسبت میان افراد)- در فلسفه و در اتحاد عاقل و معقول، بر پایه‌های ذوقی<sup>4</sup>

8. خلاصه الترجمان فی تأویل خطبة البیان - گزارش و ترجمه‌ی خطبه‌ی عرفانی خطبة البیان، منسوب به علی(ع) است، که به هنگام اقامت سورت، به سال 1013 ه.ق/1604 برای خان‌خانان نگاشت.<sup>5</sup>

9. در یتیم- در خویش‌شناسی (معرفت النفس) و مراتب آن، بر پایه‌ی ذوقیات عرفانی<sup>6</sup>

<sup>1</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 6/ 6419)، توحید، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم؛ برگ 93-94؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1102. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 6، ص 2261؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج 17، ص 29.

<sup>2</sup> - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج 10، ص 657؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1103.

<sup>3</sup> - فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج 6، ص 292؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 772؛ احتمالاً جوابات المسائل العرفانیة، مذکور در الدررعیة، همان جبر و قدر و اختیار است (ر.ک: طبقات اعلام‌الشیعة، ج 5، ص 228).

<sup>4</sup> - فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج 6، ص 290؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 782.

<sup>5</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1138؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 16، ص

10. دیوان اشعار<sup>1</sup>

11. ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی (ذوقیه) - گفتاری فلسفی و عرفانی، با عنوان‌های

«ذوق» که در یک بنیان کلی و چهار رکن و یک پایان، برای محمد قلی بن ابراهیم قطب‌شاه (989\_1020 / 1581\_1611) نگاشت.<sup>2</sup>

12. رقائق الحقائق - در فلسفه و در اثبات وحدت وجود، بر پایه‌ی گفته‌های عارفان و

حکیمان، به روش عقلی و ذوقی، در یک فتح و هفت رقیقه و ختمی، در مبحث وحدت وجود. در برخی نسخه‌ها به نام دقائق الحقائق آمده است.<sup>3</sup>

13. زنبیل - در عرفان و درباره‌ی مسأله‌ی تجلی یا معرفت و موضوعات اخلاقی؛ گویا این رساله ناتمام مانده است.<sup>4</sup>

14. شرح بی‌تی از شاه داعی - گزارش بیت نظام‌الدین محمود شاه داعی شیرازی (م 865 یا 870 یا پس از آن / 1461 یا 1466) است:

خلق به معلوم خرد ملحق است آنچه به حس یافته آن، آن حق است<sup>5</sup>

است<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا قرن دهم هجری، ج 2، ص 656.

<sup>2</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 1 / 6419)، ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم؛ برگ 1 پ- 13؛ (ش. 3 / 7370)، همان جا، برگ 18 پ- 23 ر؛ فهرست نسخه‌های خطی فاسی، ج 2، ص 1154؛ تاریخ نظم و نثر فارسی و زبان فارسی تا قرن دهم هجری، ج 1، ص 397؛ طبقات سلاطین اسلام، ج 2، ص 535.

<sup>3</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 10 / 7370)، رقائق الدقائق، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ، فهرست

15. کواکب الثواقب- در اهمیت دانش، به روش عقلی و ذوقی، که در هفت کواکب برای میرزا یوسف‌خان نگاشت.<sup>1</sup>

16. ملکات انسانی (عشره‌ی کامله)- شامل ده صفت نیکو و اصیل انسانی، با استدلال‌های ذوقی و حکایت‌های مناسب برای هر باب، که آن را به هنگام اقامت در سورت (پس از 1008 / 1599) در یک مقدمه و ده فقره برای خان خانان نگاشت. گویا ترجمه‌ای است از الاصول العشره‌ی شیخ نجم‌الدین احمد کبری خیوقی (م 619 / 1222).<sup>2</sup>

17. نامه‌ها- شامل چند نامه‌ی عرفانی به دوستان و استادان<sup>3</sup>

18. نفایس الارقام - در آن درباره‌ی عقاید نقطویان هم مطالبی با پرده‌پوشی آورده است؛<sup>4</sup> در اثبات واجب و توحید خداوند، به طریق متکلمان و حکیمان و صوفیان، در ده رقم.<sup>5</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 6 / 7370)، کواکب الثواقب، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 38 ر - 44پ؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، ج 10، صص 657، 1086؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 14، ص 3703؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 831.

<sup>2</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 2 / 7370)، ملکات انسانی، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 7 ر - 16 پ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج 6، ص 2258؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، صص 1012، 1082، 1692؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 168.

<sup>3</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 2، ص 1438؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، ج 10، ص 628.

<sup>4</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. 5 / 7370)، نفایس الارقام، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ 26 ر - 36 پ؛ صادق کیا، نقطویان یا پیسخانیان (1320 یزدگردی)، تهران، بی‌نا، ص 24؛ به نقل از حمید فرزام، "صوفیه و فرقه‌ی حروفیه"، مجموعه‌ی

جز این‌ها، کتاب‌ها و رسالات دیگری نیز به او نسبت داده‌اند؛ که نامگذاری دیگری بر آثار او، یا جزیی از آن‌ها یا از آن دیگران است.

### نتیجه‌گیری

اگر بتوان مهاجرت را به دو دسته‌ی کلی دایمی و موقت تقسیم نمود، مهاجرت‌های عهد صفوی عمدتاً دایمی محسوب می‌شود. این نوع مهاجرت را بیشتر زردشتیان ایران در سده‌ی سوم/ نهم به صورت گروهی آزموده بودند. در عهد صفوی مهاجرت دانشمندان به صورت انفرادی صورت گرفت. همچنین، نوع موقت مهاجرت را می‌توان در عهد قاجار (1211\_1344 ه.ق / 1796\_1925 م) جستجو نمود. مهاجرت را باید در ساخت‌مایه‌های سیاسی، فرهنگی و نظام ایدئولوژیک دولت صفوی جستجو نمود. در واقع، ساختار سیاسی و مذهبی این دولت در تقابل با دولت‌های سنی مذهب عثمانی در غرب و ازبکان در شرق و به منظور تحقق بخشیدن به وحدت مذهبی و سیاسی در داخل، جامعه‌ی مذهبی و اهل فکر و اندیشه را بر سر دو راهی یک انتخاب قرار داده بود. با توجه به پیوند مذهب و سیاست در عهد صفوی، مخالفان مذهبی و سیاسی یا می‌بایست در خدمت ایدئولوژی سیاسی، مذهبی قرار گیرند یا به ممالک سنی‌نشین همجوار- یعنی دولت‌های عثمانی و ازبکان - پناه ببرند. نمونه‌ی بارز آن پناه بردن فضل‌الله خنجی اصفهانی به دربار محمد شییک خان ازبک است. بنابر این، دلایل مهاجرت را می‌توان در ساختار سیاسی و ایدئولوژیک دولت صفوی جستجو نمود، که نه تنها قرائت‌های مخالف مذهبی و سیاسی را

برنمی‌تافت، بلکه نخبگانی همچون خاندان دهدار را نیز که مستقل از دولت صفوی می‌اندیشیدند و قلم می‌زدند، برنمی‌تافتند.

خاندان دهدار از نخستین نخبگان مهاجر عهد صفوی به شمار می‌روند، که با بازخوانی آثار بر جای مانده‌ی آنان و دیگر مهاجران، می‌توان بخش‌هایی ناگفته از حیات سیاسی، فکری و مذهبی دوران صفویه را باز شناخت. آنان افرادی اهل علم و ادب و تصوف بودند. تمام آثار دو تن از آن خاندان، عمادالدین محمود و معین‌الدین محمد، به زبان فارسی است، که دلیل آن گسترش فارسی‌نویسی ساده در عهد صفوی است؛ گرچه زبان ادبی و نگارشی آنان چندان محکم و استوار نیست. همه‌ی افراد این خاندان علم جفر را آموخته بودند و احمد عیانی جهرمی، نخستین کسی که از این خاندان شناخته شده است، رساله‌ی الرمل را نگاشت. از نوه‌ی او، عمادالدین محمود، چندین کتاب در جفر و علم حروف بازمانده است. اما معین‌الدین محمد فرزند محمود، به‌رغم آنکه این علم مرسوم خانوادگی را فرا گرفت، در این باره کتاب یا رساله‌ای ننوشت. همه‌ی نوشته‌هایی که از او بازمانده، در زمینه‌ی تصوف و عرفان و فلسفه و تفسیر است و آن نوشته‌ها در علم جفر و حروف و کیمیا که به او نسبت می‌دهند، همگی از آن پدرش محمود است. یکی از دلایلی که سبب گردید معین‌الدین محمد کتاب یا رساله‌ای در علم جفر و علم حروف ننویسد، مخالفت صفویان با نقطویان بود. نگارش کتاب‌ها و رساله‌ها در این علوم یکی از ویژگی‌های بارز نقطویان محسوب می‌شد و او، با توجه به سرنوشت بدفرجام دوستان خانوادگی و شاید پدر، به جانب عرفان و تصوف گرایش یافت؛ که آن هم در این عصر چندان مطبوع نبود و بدین ترتیب، او چاره را در ترک

جنبه‌ی دیگر زندگانی این خاندان سیاسی است. معین‌الدین محمد دهدار به دربار شاهان عادل‌شاهی و سپس نظام‌شاهی در دکن هند راه یافت. عمادالدین محمود، پدر او، با ابوالقاسم امری‌شیرازی، که متهم به نقطویه بود، و شاه، فتح‌الله شیرازی دوستی داشت. از سرنوشت عمادالدین اطلاعی در دست نیست؛ جز آن که او هم دست کم یک بار برای مدتی نامعلوم به هند رفت. می‌توان احتمال داد که به اتهام گرایش نقطوی تحت تعقیب و آزار صفویان قرار گرفته باشد. معین‌الدین محمد هم در محضر پدر و دوستان او به کسب دانش پرداخت. معین‌الدین محمد محیط سیاسی و عقیدتی ایران صفوی را برای خود و دوستان و استادانش چندان مساعد نمی‌دید. به همین دلیل، به هنگام اقامت در دکن، دست کم، فتح‌الله شیرازی را، که از دوستان و استادانش بود، با تشویق حاکمان محلی آنجا نزد خود آورد. او در آثار خود درباره‌ی سرنوشت پدر سکوت نمود؛ همان سکوت معناداری که روزبهان بن عماد اصفهانی، پس از تغییر مذهب خاندانی، درباره‌ی جد اعلای خود فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، دشمن سرسخت صفویان، در پیش گرفت.

بدین ترتیب، در پایان می‌توان گفت که برخی از مهاجرت‌های ادیبان و دانشمندان عصر صفوی به هند جنبه‌ی سیاسی و احتمالاً مذهبی داشته است. فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی به همین علل از صفویان گریخت؛ اما بعدها روزبهان بن عماد، نتیجه یا نسل سوم از خاندان او، در کسوت شیعی، مدتی در حمایت صفویان در حلقه‌ی شاگردان بهاء‌الدین محمد عاملی، و مدتی در دربار قطب‌شاهی هند زیست و حتی کشکولی هم موسوم به خرقه‌ی علما در عقاید شیعه نگاشت.



می‌توان شاگردان شیخ بهایی، همچون محمد بن علی بن خاتون عاملی، نگارنده‌ی ترجمه‌ی قطبشاهی، و روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی را ذکر نمود. البته دلایل مهاجرت در دوره‌ی نخست صفوی، سیاسی و مذهبی و در دوره‌ی دوم اقتصادی بوده است. بر این دلایل باید عدم انگیزه‌ی کافی شاهان صفوی در حمایت از دانشمندان و ادیبان دنیایی و صوفیان را افزود. اما محیط هند گرچه برای مهاجران امکان نگارش نسبتاً آزادانه را فراهم نمود، اما دلیلی در دست نیست که در اعتلای فکری آنان نیز نقش مفیدی اعطا کرده باشد.

## **A historical research on The Emigration of the Dehdar Family from Iran during the Safavid Period**

Abbas Zarei Mehrvarz<sup>1</sup>  
Ali- Reza Ali Sufi<sup>2</sup>

### **Abstract**

At the beginning of the Safavid Period a number of scientists and men of letters emigrated to India, the Ottoman Empire and other neighboring countries for various reasons. Their emigration affected the cultural life of the period. The works of two emigrants, Mo`in al-Din Mohammad and `Emad al-Din Mahmud, known as Dehdar, are discussed in this article. The case study of the two personalities throws light on the cultural, religious and economic life of Iran during this period

**Keywords:** Emigration, Safavid, Dehdar family, India, Ottoman empire

---

## فهرست منابع و مآخذ

- آوری، پیتر (به سرپرستی)، (1388)، تاریخ ایران در دوره‌ی پهلوی از رضا شاه تا انقلاب اسلامی (مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج)، ج 7، دفتر 2، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران، نیل.
- ارشاد، فرهنگ، (1365)، مهاجرت ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هیجدهم میلادی)، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- انوار، عبدالله / علینقی منزوی / حبیب‌الله عظیمی، (1343 - 1375)، فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و هنر / کتابخانه ملی.
- تهرانی، آقا بزرگ، (1345 - 1354)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، [اسلامیه].
- \_\_\_\_\_، (1366)، طبقات اعلام الشیعه (احیاء الدائر من القرن العاشر)، تحقیق علینقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران.

- چلونگر، محمدعلی، (1383). "سیاست مذهبی شاه طهماسب اول و گسترش تشیع در ایران"، مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین، تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- جرّ، خلیل، (1363). فرهنگ لاروس (المعجم العربی الحدیث)، ترجمه‌ی حمید طبیبیان. تهران: امیرکبیر.
- حایری، عبدالحسین و دیگران، (1342- 1376). فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (شورای اسلامی)، تهران، کتابخانه‌ی مجلس / انتشارات اسلامی و ...
- حسینی اشکوری، احمد، (بی تا - 1372). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه‌ی عمومی مرعشی.
- حسینی فسایی، حسن، (بی تا)، فارسنامه‌ی ناصری، تهران، کتابخانه‌ی سنایی (افست از روی چاپ سنگی).
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان، (1362). سلوک الملوک، تصحیح و مقدمه‌ی محمد علی موحد، تهران، خوارزمی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و علینقی منزوی، (1336- 1364)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (1377)، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، لغت‌نامه‌ی دهخدا/ روزنه.
- دهدار، عمادالدین محمود بن احمد، (ش. 1 / 5584)، استخراج نام معین‌الدین

- \_\_\_\_\_ (ش. 2 / 7631)، اسرار الحروف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. 4388)، جواهر الاسرار، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (ش. 3 / 5584)، زبدة الالواح، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. 1 / 7631)، صحیفة النور، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. 10165)، مفاتیح‌المغالبق، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابت سده‌ی 13.
- \_\_\_\_\_ (8 / 3921)، [بخشی از دیوان]، در نسخه‌ی خطی موجود موسوم به جُنْگ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (ش. 7 / 7370)، اشراق النیرین، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. 7370)، مجموعه [آثار]، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. 10 / 2322)، [تفسیر سوره‌ی الضحی] با نام فوائد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.

- \_\_\_\_\_ (ش. 6419)، مجموعه، ش. 1 (ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی) و ش. 6 (توحید [استدلالی])، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (1375)، رسائل دهدار، به کوشش محمد حسین اکبری ساوی، تهران، نشر نقطه / میراث مکتوب.
- رفیعی، علی، (1366)، "حروفیه"، دایرة‌المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی و حسن یوسفی اشکوری، [قم]، نشر شهید سعید محبی.
- ریپکا، یان و دیگران، (1370)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، تهران، گوتمبرگ و جاویدان‌خرد؛ ترجمه‌ی عیسی شهابی (1354)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زارعی مهرورز، عباس، (1374)، "معرفی نسخه‌ی خرقره‌ی علما، کتابی از عهد صفوی،" وقف میراث جاویدان، ش 10.
- سیوری، راجر، (1363)، ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی احمد صبا، تهران، کتاب تهران.
- شوشتری، قاضی نورالله، (1377)، مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیه.
- شیرازی، فرصت‌الدوله، (1362)، آثار عجم. تهران، بامداد (افست از روی چاپ سنگی).

- \_\_\_\_\_، (1356). خلاصه‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی، تهران، امیرکبیر.
- عقیلی، نورالله، (1383)، "جستاری در زمینه‌های رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی"، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین، تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- علی صوفی، علی‌رضا، (1383)، "اندیشه‌های حکومتی فضل‌الله بن روزبهان خنجی، در ترازوی سلوک الملوک"، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین. تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- عمید، حسن، (1363)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- فرزاد، حمید، (1353)، "صوفیه و فرقه‌ی حروفیه"، مجموعه‌ی چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، به کوشش محمد حسین اسکندری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- لین‌پول، استانلی، (1362)، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب.
- \_\_\_\_\_ و دیگران، (1370)، تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، ترجمه‌ی صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- متیکا، رائل، (1368)، "جنش باباییان در آناتولی"، ترجمه‌ی عباس زارعی مهرورز، کیهان فرهنگی، س 6، ش 6.
- مدرس، محمد علی، ([بی‌تا])، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و

- مشار، خان‌بابا، (1352)، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_، (1344)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، بی‌نا.
- منزوی، احمد، (1361 - 1375)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- \_\_\_\_\_، (1348 - [1353])، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی منطقه‌ای.
- میرجهانی طباطبایی، محمدحسن، (1370)، رواج النسمات در شرح دعای سمات، تهران.
- مینوی، مجتبی، (1356)، "سلطنت یوسفی ترکش‌دوز"، داستان‌ها و قصه‌ها (مجموعه‌ی عمر دوباره، ج 1)، تهران، خوارزمی.
- نفیسی، سعید، (1344)، تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران، فروغی.
- نوایی، عبدالحسین / عباسقلی غفاری فرد، (1381)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سمت.
- ووستنفلد، فردیناند / ادوارد ماهلر، (1360)، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله‌ی هجری قمری و میلادی، مقدمه و ترجمه‌ی حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران.



ژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی